



سندباد نامه

منظوم عضد یزدی



* دکتر سیدمحمدباقر کمال الدینی

دلانشان فرانسوی و تئودور بنفی اعتقاد به هندی بودن کتاب دارند و پری (محقق امریکایی) معتقد است که اصل کتاب ایرانی است.^۵ با توجه به اظهارات محققان ایرانی و خارجی و با استناد به متن کتاب و تأمل در نوشته‌های آن به راحتی می‌توان دریافت که کتاب سندبادنامه هر چند شباهتهایی به داستانهای هندی دارد، لکن دارای اصل و ریشه ایرانی است و قسمتهایی از کتاب به نواحی از هندوستان راه یافته و در آنجا حکایت‌هایی به آن اضافه شده است. از جمله دلایلی که بر ایرانی بودن اصل کتاب حکایت دارد، وجود نامهای کورش و سندباد است که از نامهای قدیم ایرانی هستند و اگر کتاب اصل هندی داشت، می‌بایست همچون کیله و دمنه و سایر کتابهای هندی پر از نامهای هندی باشد که این‌گونه نیست. هم‌چنین رقم هفت (هفت فیلسوف، هفت وزیر، هفت روز و ...) و اصول جزا دادن مجرم و عقب انداختن اجرای حکم به واسطه حکایت گفتن و ... نشان از ایرانی بودن آن دارد؛ چنان که در سایر کتابهای ایرانی مثل هزار و یکشب که مبدأ آن هزار افسانه ایرانی قدیم است مطالب بدین‌گونه آمده است. علاوه بر اینها عبارات خود کتاب اعم از متن فارسی^۶ و عربی^۷ صراحت دارد که این کتاب فراهم آورده حکمای عجم است و به لغت پهلوی بوده است.^۸ داستان سندباد به فرمان نوح بن نصر سامانی و به دست خواجه عمید ابوالفوارس فناورزی به فارسی ساده دری ترجمه شد. سپس ظهیری

کتاب حکیم سندباد یا داستان هفت وزیر از زیباترین آثار ادب فارسی است که از روزگاران باستان مشهور بوده است. این کتاب که بعدها به سندباد نامه نیز معروف شده به خاطر علاقه و توجه مردم به آن بارها به صورتهای نظم و نثر، مختصر و مفصل، ساده و فنی و ... تحریر شده است. اولین مأخذ تاریخی موجود که درباره این کتاب اظهار نظر کرده است، الفهرست ابن ندیم است که کتاب سندباد را در دو روایت بزرگ و کوچک دانسته و نوشته که در انتساب تألیف آن به ایرانیان و هندها اختلاف است.^۱ پس از ابن ندیم، مؤلفان تاریخ یعقوبی، تاریخ مسعودی، مجمل التواریخ و القصص، تاریخ گزیده، الذریعه و طوطی‌نامه (جواهر الاسمار) پیرامون این کتاب و اصل و منشأ آن سخن رانده‌اند، لکن به درستی معلوم نکرده‌اند که این داستان اصل ایرانی دارد یا هندی.^۲ از میان نویسندگان تاریخ ادبیات ایران در دوره‌های معاصر، ذبیح الله صفا، ادوارد براون و عبدالحسین زرین کوب این داستان را مأخوذ از ادبیات هندی دانسته‌اند و رییکا و اته بین هندی و ایرانی بودن اصل آن تردید نموده‌اند.^۳ تنها کسی که اعتقاد به ایرانی بودن آن دارد، مجتبی مینوی است که معتقد است کتاب در عهد انوشروان خسرو اول به پارسی نوشته شده است.^۴ از میان مستشرقان، لوزلر

МУХАММАД
АЗ-ЗАХИРИ
АС-САМАРКАНДИ

Синдбад
наме

Перевод
М. Н. ОСМАНОВА
под редакцией
А. А. СТАРИКОВА

Издательство
ВОСТОЧНОЙ ЛИТЕРАТУРЫ
Москва - 1960

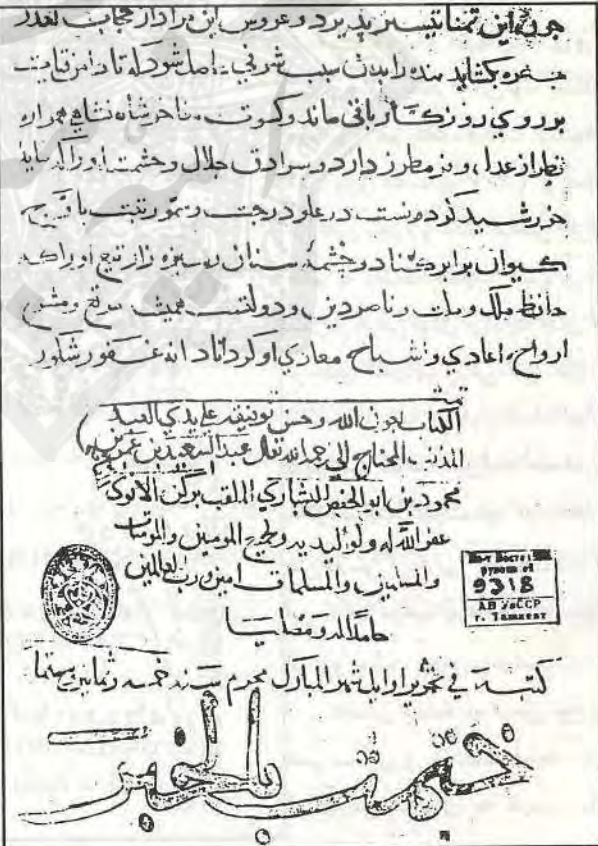
سندبادنامه (ترجمه به زبان روسی)

* استادیار دانشگاه پیام نور

سمرقندی در قرن ششم آن را به نثر فنی آرایش داد.

البته گفته‌اند که دقایقی مروزی نیز همچون ظهیری سمرقندی سندبادنامه را به نثر فنی مزین نموده است لکن چون اثری از آن در دست نیست، نمی‌توان درباره آن اظهار نظر کرد. از میان شاعران نیز اولین کسی که سندبادنامه را منظوم کرده است، رودکی شاعر توانای قرن چهارم است که ۳۶ بیت از اشعار او با مضامین سندبادنامه برابری می‌کند و اثبات می‌نماید که او در بحر رمل بدین کار اهتمام ورزیده است. پس از رودکی، ازرقی هروی شاعر قرن ششم نیز زمانی به این کار اشتغال داشته است ولی چون امروز اثری از سندبادنامه منظوم او وجود ندارد نمی‌توان مشخص کرد که آیا این کار را به پایان رسانده یا نه؟^۹

از میان سندبادنامه‌های منظوم تنها اثری که تا امروز باقی مانده و به دست ما رسیده است، نظمی است که توسط سیدعسجدی^{۱۰}، شاعر قرن هشتم هجری، صورت گرفته است. متأسفانه از احوال و دیوان اشعار او اطلاعات چندانی در دست نیست جز این که نسخه‌ای از سندبادنامه منظوم او به شماره ۱۱۲۳۶ در کتابخانه ایندیآفیس^{۱۲} لندن وجود دارد که معلوم می‌کند در سال ۷۷۶ ه. به نظم کشیده شده و به شاه محمد بهمنی پیشکش گردیده است. این نسخه که بسیار خوش‌خط و دارای مینیاتورهای زیاد است - که البته برخی از آنها را پاک کرده‌اند - با این بیت شروع می‌شود:



برگه آخر نسخه خطی تاشکند

به نام خداوند لوح و قلم که زد نام اول به نامش رقم
شاعر فارسی بودن مبدأ نظمش را گفته اما از کدام روایت، معلوم نیست. محمد قزوینی ضمن این که نظم آن را سست و رکیک یافته است، تحریر ظهیری سمرقندی را منبع آن دانسته.^{۱۳} کلوستون ترجمه انگلیسی آن را با ترجمه متن عربی اثر در سال ۱۸۸۴ م. چاپ کرده است.^{۱۴} احمد آتش نظم این نسخه را به تاریخ ۷۰۷ ه. نوشته و ادامه داده است که این نسخه منظوم سندبادنامه ۲۸ داستان است که سرآغاز این داستانها تماماً به نسخه الکاتب السمرقندی شبیه است و تنها بعد از داستان چهاردهم ترتیب داستانها تغییر می‌کند.^{۱۵}

مشخصات این نسخه که اته از آن بسیار تعریف کرده و آن را در کتابخانه‌های اروپا منحصر بفرد دانسته از این قرار است: نستعلیق زیبا
شاعر معلوم نیست، دارای ۱۶۹ برگ با تصویرهای زیبا که افتادگیهای بسیاری نیز دارد.

هر چند اته نام شاعر را معلوم نکرده است، لکن با مراجعه به ابیات کتاب می‌توان نام شاعر را در چند بیت مشاهده کرد و تا حدودی از وضع و احوالش مطلع شد و دانست که در موقع نظم کتاب ۶۰ سال داشته است. البته هرچند در خصوص سید عضد یزدی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است و در برخی منابع شرح احوال او یا شرح حال پسرش، جلال عضد درهم آمیخته، لکن از روی همین منظومه می‌توان به این نتیجه رسید که این شاعر بزرگ در سال ۷۷۶ زنده بوده و ۶۰ سالگی خود را می‌گذرانیده است و در سال ۷۱۶ به دنیا آمده بوده و تاریخهای دیگر که در تذکره‌ها در خصوص تولد و مرگ او نوشته‌اند، سراسر اشتباه است.

نکته دیگر درباره سید عضد یزدی این است که او از سادات عربی یزد بوده و اجدادش به شرح زیر می‌باشند: «الامیر عضدالدین محمد بن ابی یعلی بن ابی القاسم المجتبی بن المرتضی النقیب بن سلیمان بن المجتبی بن ابی محمد المرتضی بن سلیمان بن حمزه بن عبدالمطلب»^{۱۶} و با این حساب، او را خاندان بسیار شریف و بزرگی است که سید رکن‌الدین و پسرش، سید شمس‌الدین، نیز از همین خاندان شریف در همان قرن هشتم در یزد زندگی می‌کرده‌اند و بسیار شهرت و آوازه داشته‌اند و خیرات و میراث آنها زیانزد خاص و عام است.^{۱۷}

دوازده سال تحقیق و پژوهش اینجانب بر روی سندبادنامه و نسخه‌های منثور و منظوم آن معلوم می‌دارد که نسخه فوق‌الذکر تنها نسخه خطی سندبادنامه منظوم نیست بلکه نسخه دیگری از آن نیز وجود دارد که بسیار کاملتر از نسخه ایندیآفیس است و آن نسخه‌ای است که محقق گرجی - تنگیز گاریلیشویلی - در سال ۱۹۶۱ م. در شهر هرات افغانستان آن را پیدا کرده و از روی آن مشخص نمود که نظم‌کننده آن

КИТОБИ ҲАКИМ СИНДБОД

❁
АЗ РҶИ
СИНДБОДНОМА - И
ЗАҲИРӢ
ТАХРИРИ
Ҷ. АЗИЗҚУЛОВ

کتاب حکیم سنباد، تحریر به خط سیریلیک چاپ تا جیکستان

احادیث، آرایه‌های لفظی، لغات و اصطلاحات نادر، ویژگیهای دستوری و دهها مطلب خواندنی دیگر ...

متأسفانه مصحح محترم تنها به نسخه ناقص این اثر دسترسی داشته‌اند و تصور نموده‌اند که غیر از این نسخه دیگری از کتاب وجود ندارد و آن چنان که خود نوشته‌اند این نسخه نیز در ۹ جای خود افتادگی دارد و ۵۳۸ بیت آن سرودهٔ عضد یزدی نیست^{۲۴} که تاحدی از ارزش و اهمیت کتاب کاسته شده است و ای‌کاش ایشان به نسخه دوم نیز دسترسی پیدا کرده بودند تا تصحیحی کامل و خوب از این اثر ارزشمند صورت گرفته بود.^{۲۵}

همچنین مصحح در مقدمه خود بر کتاب حدس زده‌اند که سندبادنامه داستانی هندی است^{۲۶}، حال آنکه به دلایل گوناگون دانستیم که این مطلب صحت ندارد و اصل داستان سندباد ایرانی است.

هر چند کتاب به خوبی حروفچینی و صفحه‌بندی شده است. لکن در برخی موارد همچون صفحه ۳۰ سطر ۱۶ «... پدر نخست فصلی شکار را نکوهش می‌کند ...» نشان از غلط تایپی می‌دهد. آخر سخن اینکه جای فهرست منابع و ماخذ در پایان کتاب خالی به نظر می‌رسد.

عضد نام دارد و مجهول المؤلف نیست لکن ذهن او متوجه عضدیزدی شاعر قرن هشتم نشده است. مشخصات این نسخه به قرار زیر است: خط نستعلیق، کاغذ خطایی، دارای ۲۹۳ صفحه در هر صفحه ۱۲ بیت، اندازه صفحات ۱۱/۵ x ۱۷/۵ اس، متن ۷/۵ x ۱۱ س، بعضی صفحات ندارد و چند صفحه و باب پس و پیش شده‌اند.^{۱۸} خوشبختانه در این نسخه حکایت‌هایی وجود دارد که کمبود حکایت‌های نسخه ایندیآفیس را پر می‌کند. همچنین مقایسه این نسخه منظوم با سندبادنامه ظهیری سمرقندی آشکار می‌کند که منبع عضد در نظم این نسخه، تحریر ظهیری سمرقندی بوده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم:

چو کار توقف به پنجم کشید خروش کنیزک به انجم رسید^{۱۹}

که در سندبادنامه ظهیری سمرقندی بدین صورت آمده است: «چون نوبت دور آیام به روز پنجم رسید، مشغلهٔ استغاثت زن به گوش انجم رسید^{۲۰}»

یکی گفت وقتی که دل درد کرد که ناخوشر از درد دل نیست درد شنیدم دل روبه او را دواست دل او همه دردها را دواست^{۲۱} که در سندبادنامه ظهیری سمرقندی به صورت زیر آمده است: «هر

کرا دل درد کند، دل روبه بریان کند و بخورد، بیارامد^{۲۲}».

خوشبختانه هم‌زمان با انجام تحقیقات اینجانب در خصوص سندباد نامه منثور ظهیری سمرقندی و تصحیح مجدد آن و نگارش چندین مقاله درباره اصل و منشأ کتاب سندباد و سیر تاریخی آن در زبان فارسی، سندبادنامه منظوم عضد یزدی نیز از روی نسخه کتابخانه ایندیآفیس به تصحیح دانشمند مرحوم، استاد محمد جعفر محجوب توسط انتشارات توس به علاقمندان چهره می‌نمایاند و جای خالی خویش را در میان آثار منظوم و زیبایی ادب فارسی پر می‌کند^{۲۳}. هر چند مصحح محترم این اثر ارزشمند امروز محجوب است، لکن به روح بلندش درود می‌فرستم و به استاد فرزانه ایرج افشار و شاعر بزرگ محمد جلالی چیمه و دست اندرکاران نشر توس به خاطر چاپ و نشر این کتاب تبریک می‌گویم.

از محسنات این کتاب مقدمه مفصل و عالمانه‌ای است که مصحح در خصوص داستان سندباد نگاشته است. خصوصاً اطلاعاتی که درباره نسخه منثور و منظوم آن به خوانندگان عرضه می‌کند و نیز معرفی عضد یزدی و اهمیت و اعتبار او در میان شاعران قرن هشتم و نقد و تحلیل داستان، اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی فارس در قرن هشتم و آنچه میان امیر مبارزالدین محمد و پسرانش روی داده است، آئین و رسوم خاص آن زمان، تأثیرپذیری عضد از شاعران قبل از خود خصوصاً سعدی، اشاره به آیات و

12. Catalogue of The Persian Manuscripts in The Library of The india Office, Herman Ethe, oxford 1903 P: 714

۱۳. محمدقزوینی، چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، انتشارات زوار، تهران ۱۳۳۳، ص ۱۷۷.

14. The Book of Sindbad From the Persian and Arabic With Introduction, W.A. closton, Glasgow 1884.

۱۵. احمد آتش، مقدمه سندبادنامه ظهیری سمرقندی، چاپخانه وزارت فرهنگ، استانبول ۱۹۴۸، صص ۱۷-۱۶.

۱۶. ایرج افشار، یادگارهای یزد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (چاپ دوم)، جلد دوم، ص ۳۹۰ به نقل از الفصول الفخریه، ابن عنبه، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران ۱۳۳۶.

۱۷. درباره این خاندان و موقوفات آنها بنگرید به کتاب جامع‌الخيرات ضمیمه کتاب یادگارهای یزد مذکور در یادداشت بالا، صص ۵۵۷-۳۹۱.

۱۸. تنگیز گاریلیشویلی، سندبادنامه، آثار دانشگاه دولتی تفلیس، شماره ۱۰۸، سال ۱۹۶۴م. ص ۱۸۴ (به زبان روسی).

۱۹. همان، ص ۱۸۶.

۲۰. سید محمد باقر کمال‌الدینی، تصحیح سندبادنامه ظهیری سمرقندی، ص ۱۴۱.

۲۱. تنگیز گاریلیشویلی، سندبادنامه، ص ۱۸۸.

۲۲. سیدمحمدباقر کمال‌الدینی، تصحیح سندبادنامه ظهیری سمرقندی، ص ۲۲۶.

۲۳. سندبادنامه منظوم، سروده عضد یزدی، به تصحیح محمدجعفر محبوب، انتشارات توس، تهران ۱۳۸۱.

۲۴. همان، ص ۸۸.

۲۵. همان، صص ۲۹۴، ۸۳، ۸۲، ۴۷.

۱. محمد بن اسحاق الندیم، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، تهران ۱۳۴۶ (چاپ دوم)، ص ۵۴۱.

۲. بنگرید به مقاله نگارنده در مجله آینه میراث تحت عنوان: اصل و منشأ سندبادنامه، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. مجتبی مینوی، درباره سندبادنامه (مقدمه سندبادنامه ظهیری سمرقندی)، انتشارات فرزنان، تهران ۱۳۶۲.

۵. سیدمحمدباقر کمال‌الدینی، اصل و منشأ سندباد نامه، صص ۴۸-۴۷.

۶. سیدمحمدباقر کمال‌الدینی، تصحیح سندباد نامه ظهیری سمرقندی (پایان‌نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی)، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۰، صص ۱۷-۱۸.

۷. سندبادنامه عربی، ضمیمه سندبادنامه تصحیح احمد آتش، چاپخانه وزارت فرهنگ، استانبول ۱۹۴۸، صص ۲۴۹-۳۴۸.

۸. برای توضیح بیشتر در این زمینه بنگرید به مقدمه پایان‌نامه دکتری نگارنده در یادداشت شماره ۶.

۹. برای مطالعه بیشتر در خصوص سیر تحولات مثنوی و منظوم سندبادنامه بنگرید به مقاله نگارنده در مجموعه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، بهمن ۱۳۸۰ و نخستین همایش ایران‌شناسی، خرداد ۱۳۸۱ و مجله تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، صص ۳۱-۲۱.

۱۰. نگارنده قبل از چاپ سندبادنامه منظوم عضد از روی بعضی قراین مشخص کرده بودم که سراینده این منظومه، عضد یزدی است. بنگرید به مقاله: سیر تاریخی سندبادنامه در زبان فارسی، مجله آینه میراث، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۵)، صص ۱۵-۱۰.

۱۱. در تاریخ ادبیات آینه، ترجمه رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۷۷، ص ۱۰۴.



سندبادنامه منظوم سروده عضد یزدی. به تصحیح دکتر محمدجعفر محبوب. تهران: انتشارات توس. مجموعه گنجینه متون داستانی. زیر نظر ایرج افشار. ۱۳۸۱ - ۳۱۲ صفحه.

منظومه سندبادنامه، سروده عضد یزدی، شاعر سده هشتم هجری، نخستین اثری است که انتشارات توس با عنوان کلی «گنجینه متون داستانی» زیر نظر استاد ایرج افشار در دست چاپ دارد. در این مجموعه قرار است داستانهای عامه‌پسند ادبیات فارسی که در طول قرون و اعصار بیشتر مورد اقبال و توجه مردم عادی قرار داشته و آنها را یا خود می‌خواندند و یا بی‌سوادان از نقالان و سخنوران در قهوه‌خانه‌ها و چاپخانه‌ها و سایر اماکن عمومی می‌شنیدند، به شکلی منقح و مضبوط به چاپ برساند. تعدادی از اینگونه آثار به سبب رواج و شهرتی که داشت از آغاز پیدایش فن چاپ نخست در هند و سپس در ایران به صورت سنگی و یا سربی به چاپ رسیده، اما این چاپها اغلب بازاری و مغلوط است و فقط از تعداد اندکی چاپ انتقادی در دست است. بنابراین عرضه و انتشار طبع مطلوب انتقادی این کتابها، قدم اساسی در راه آشنایی عموم علاقمندان با آثار داستانی ادبی و عامیانه ادب فارسی است.

سندباد نامه به کوشش دکتر محبوب براساس نسخه‌ای منحصر به فرد و ناقص تصحیح شده و تعداد ابیات آن بالغ بر ۴۱۵۹ بیت است. تصحیح کتاب مذکور ظاهراً جزو آخرین کارهای آن مرحوم است و انصافاً در زمینه تصحیح و تحلیل تفصیلی مندرجات کتاب و تعیین جایگاه واقعی آن در میان انبوه آثار ادبی فارسی از ذکر نکته‌های فروگذار نشده است. محبوب در زمینه شناسایی آثار ادب عامیانه فارسی تبحری کم‌نظیر داشت و متون مربوط به آن را به خوبی می‌شناخت و بسیاری را بررسی کرده بود و در این باره چند دهه پیش سلسله مقالات مفصلی در شماره‌های متعدد مجله سخن نوشت. جا دارد مقالات مذکور به همت خانواده و شاگردانش گردآوری و چاپ شود.

در مقدمه مفصل مصحح بر سندبادنامه مطالب مفصلی در باب منظومه و شاعر آن درج شده است. عضد یزدی علی‌رغم شهرت کم، شاعری گزیده‌گو و تیزبین است. او با آنکه اصل داستان را از منابع کهن برگرفته ولی ضمن طرح مطالب گوناگون، دیدگاه خود را درباره آنها ارائه می‌دهد، او شاعر زمانه خود است و در جای‌جای کتابش به قضایای اجتماعی و اعتقادات مردم آن روزگار اشاره‌هایی دارد.

نشر دانش - سال نوزده، شماره دوم / سیدعلی آل داوود